

آسیب‌شناسی سیاست کیفری ماهوی ایران در قبال بزه جاسوسی

سید محمود مجیدی*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۴	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۵	شماره صفحه: ۲۴۵-۲۷۵
-------------------	-------------------------	------------------------	---------------------

در دهه‌های اخیر، قلمرو جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت و به‌ویژه جاسوسی دچار تغییرات مهم و بنیادین شده است. با این حال، سیاست کیفری ایران در زمینه جرم‌انگاری این جرم، نزدیک به یک صد سال است که تغییر مهمی را به خود ندیده است. از این رو سیاست کیفری ایران از جنبه‌های مختلف در زمینه مبارزه با این جرم، با ایرادها و نارسایی‌های مختلف و متعددی روبه‌رو شده است. عدم انطباق سیاست کیفری ایران با تحولات نوین جاسوسی شامل ارکان سه‌گانه این جرم و نیز پاسخ‌های کیفری تعیین شده است. در ارتباط با رکن قانونی، وجود ابهامات تقنینی در مصادیق جاسوسی، عدم تفکیک جاسوسی از خیانت به کشور و استفاده از قیود متعدد و غیرضرور در زمره این نارسایی‌هاست. در ارتباط با ارکان مادی و روانی نیز می‌توان به ترتیب به تحدید موضوع جاسوسی و عدم شمول آن به جنبه‌های جدید امنیتی و نیز تقید جرم‌انگاری به سوءنیت خاص و انگیزه مجرمانه اشاره کرد. با توجه به نارسایی‌های فوق و نیز عدم حمایت کیفری کامل مقنن از منافع حیاتی و محوری مردم، پیشنهاد نگارنده همانا لزوم توجه قانونگذار به ضرورت توسعه دامنه جرم‌انگاری این جرم به جنبه‌های نوین اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی امنیت و نیز گسترش موضوع آن به مطلق اطلاعات و اشیاست. از طرف دیگر عدم تقید جرم‌انگاری جاسوسی به سوءنیت خاص و انگیزه مجرمانه و نیز ارائه تعریف یا احصای مصادیق جاسوسی می‌تواند نظم نسبی را به مقررات مربوطه اعطا کند.

کلیدواژه‌ها: جاسوسی؛ جرم علیه ملت؛ جرم علیه دولت؛ جرم‌انگاری؛ سیاست کیفری

*استادیار گروه حقوق، دانشگاه دامغان؛

Email: majidi@du.ac.ir

مقدمه

امروزه در فرایند جرم‌انگاری، سخن از لزوم گزینشی می‌شود که می‌تواند از یک سو به یافتن اصول و ملاک‌های جرم‌انگاری کمک کند و از سوی دیگر لزوم محاسبه هزینه‌های اقدام کیفری را به قانونگذار گوشزد کند. این رویکرد با اعتقاد به لزوم تأمین حداکثر آزادی‌های فردی، اقدام به جرم‌انگاری را تنها بر مبنای اصول و ملاک‌های معرفی شده و یا از طریق محاسبه و سنجش منافع و هزینه‌های اقدام کیفری منطقی و مجاز می‌داند. بدیهی است که تحدید استفاده دولت از ابزار حقوق کیفری و افزایش سهم سازوکارهای غیرکیفری در امر مبارزه با بزهکاری نخستین و مهمترین نتیجه این رویکرد حداقلی به جرم‌انگاری اعمال مجرمانه خواهد بود. از این روست که امروزه تلاش می‌شود تا در امر جرم‌انگاری، با ترسیم مرز مداخله دولت، از مداخله حداکثری آن در مسئله پاسخ‌دهی به اعمال ضداجتماعی ممانعت به عمل آید و استفاده دولت از حقوق کیفری به مواردی محدود شود که از دیگر نهادها و مراجع غیررسمی نتوان در این زمینه بهره‌مند شد.

با وجود مؤلفه‌های مذکور، نوع و شیوه جرم‌انگاری، نحوه تنظیم قواعد دادرسی و نیز کیفیت اولویت‌بخشی در انتخاب پاسخ‌های کیفری سرکوبگر و یا ارفاقی ناظر بر جرائم علیه امنیت، به‌طور کلی متفاوت با تحولات اساسی حاکم بر حقوق کیفری در دهه‌های اخیر بوده است. بسیار بیشتر از میزانی که دولت‌ها در قلمرو مسائل شخصی و یا اخلاقی، به جهت رعایت آزادی‌های افراد اجتماع، استراتژی عقب‌نشینی و عدم مداخله را در پیش گرفته‌اند، در حوزه اعمال ضرب‌بار امنیتی، به دلیل ایجاد ثبات در نظم عمومی و حاکمیت سیاسی، به جرم‌انگاری حداکثری و توسعه طلب روی آورده‌اند.

جاسوسی^۱ در زمره جرائمی است که جایگاه ویژه‌ای را در تمامی تقسیم‌بندی‌های ارائه شده در زمینه جرائم علیه امنیت به خود اختصاص داده است. دلیل اصلی این موقعیت ویژه را باید در میزان بالای خطرآفرینی این بزه برای امنیت کشور قلمداد کرد. از این روست که در اکثر کشورها، نسبت به همه جرائم علیه امنیت و به‌ویژه جاسوسی، سیاست کیفری ماهوی

1. Spionage

و شکلی افتراقی مشاهده می‌شود. در واقع امروزه در نظام‌های حقوق کیفری، راهکارهای متعدد و متفاوتی وجود دارد که در جهت مبارزه با جرائم مهم، دامنه جرم‌انگاری را دچار بسط یا قبض کند. در تحولات امروزین ناظر بر جاسوسی با تکیه بر تکنیک‌ها و ابزارهایی که از ظرفیت داخلی حقوق کیفری نشئت می‌گیرد، آن‌چنان ارکان سه‌گانه جرم تغییر یافته است که می‌توان به راحتی سیاست کیفری تهاجمی و امنیت‌مدار را مشاهده کرد.

دلیل محوری و اصلی به‌کارگیری جرم‌انگاری امنیت‌مدار و تهاجمی در قبال اکثر جرائم علیه امنیت و به‌ویژه جاسوسی همان حمایت شایسته و کامل از منافع اساسی دولت و مردم بوده است. در واقع معیار تحقق جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت، پس از «خطرآفرینی علیه پادشاه و نزدیکان وی» و «خطرآفرینی علیه امنیت خارجی و داخلی دولت»، به «خطرآفرینی علیه منافع اساسی مردم»، تغییر یافته است. با توجه به همین تحول مفهومی است که امروزه در نامگذاری تقنینی جرائم علیه امنیت، به جای به‌کارگیری عناوین «جنایت‌ها و جنحه‌های علیه امنیت داخلی»^۱ و «جنایت‌ها و جنحه‌های علیه امنیت خارجی»^۲، از سوی برخی قانونگذاران مانند فرانسه از عنوان «جنایت‌ها و جنحه‌های علیه منافع اساسی ملت»^۳ استفاده می‌شود. ورود این اصطلاح در حقوق کیفری فرانسه که سبب بسط و گسترش دامنه جرم‌انگاری بسیاری از جرائم و به‌ویژه جاسوسی شده است، می‌تواند شمول حمایت کیفری مقنن را تا جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی توسعه دهد.

پیچیدگی مفهوم امنیت زمانی خود را آشکار می‌کند که آن را در ارتباط با خطرات و تهدیدهایی که بخش‌های مختلف امنیت با آن مواجه است، بررسی کنیم. با توجه به اینکه خطرها و تهدیدها در جهان امروز دچار تغییرات اساسی شده‌اند، جلوه‌های دیگر از امنیت نیز خود را مطرح کرده است. بنابراین امروزه در کنار امنیت سیاسی و نظامی با جنبه‌های جدیدی از آن چون امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی و نیز امنیت فرهنگی مواجه هستیم (David et Roche, 2002: 13). این در حالی است که سیاست کیفری ایران را در

1. Crimes et délits contre la sûreté intérieure.

2. Crimes et délits contre la sûreté extérieure.

3. Crimes et délits contre les intérêts fondamentaux de la nation.

قبال بزه جاسوسی می‌توان سنتی و غیرمنطبق با نیازهای امروزین تلقی کرد. چنان‌که در ادامه مطالب ذکر خواهد شد، محدود کردن موضوع جاسوسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده سیاسی و امنیتی به همراه عدم استفاده مقنن از ظرفیت جرم‌انگاری‌های جدید، زمینه‌ساز تحقق چنین سیاست کیفری شده است.

به‌رغم ضرورت‌های جدید تقنینی، حمایت کیفری جامعی در سیاست کیفری ایران از جنبه‌های مختلف امنیت، خواه در فضای واقعی و خواه در فضای مجازی مشاهده نمی‌شود. از یک طرف جرم‌انگاری جنبه‌های جدید جاسوسی مانند جاسوسی اقتصادی، صنعتی و علمی در فضای واقعی با خلأهای مهمی روبروست و از طرف دیگر در فضای مجازی نیز -به‌رغم تصویب قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲- جامعیت کاملی در مقررات ناظر بر حمایت از اسرار تجاری و صنعتی مشاهده نمی‌شود.

با توجه به توضیحات فوق در این مقاله سعی شده تا در ابتدا به‌طور گذرا به تبیین مفهوم جرم‌انگاری امنیت‌مدار و مبانی نظری آن پرداخته شود تا زمینه ورود به موضوع اصلی مقاله در قالب نارسایی‌ها و راهکارها فراهم شود.

۱. مفهوم و مبانی جرم‌انگاری امنیت‌مدار^۱

بررسی مفهوم و مبانی جرم‌انگاری امنیت‌مدار می‌تواند زمینه ورود به بحث جلوه‌های ظهور حقوق کیفری امنیت‌مدار در حقوق کیفری ایران را فراهم کند.

۱-۱. مفهوم جرم‌انگاری امنیت‌مدار (حداکثری)

حقوق کیفری به‌عنوان هسته مرکزی سیاست جنایی، در چند دهه اخیر با شکل‌گیری اشکال نوین بزهکاری و ناکارآمدی رویکردهای اصلاح و درمان و تحت تأثیر جنبش‌های بازگشت به کیفر، به سمت رویکردهای امنیت‌مدار سوق پیدا کرده است. این امر با ورود جهان به هزاره سوم و شکل‌گیری حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر در آمریکا و حوادث تروریستی دیگر به صورت

یک رویه متداول نمود پیدا کرده است. جهت‌گیری‌های جدید سیاست جنایی - و به طور خاص تر حقوق کیفری - با محوریت قرار دادن امنیت از طریق تصویب قوانین سخت‌گیرانه، کاهش تضمین‌های دادرسی و اعطای اختیارات فراوان به مقامات اجرایی، امنیت را در تقابل با آزادی قرار داده و جامعه را به سمت پلیسی کردن و خطرمداری سوق می‌دهد. بازتاب رویکردهای امنیت‌مدار در عصر حاضر باعث می‌شود تا حقوق کیفری در چالش با قواعد حقوق بشر قرار گیرد و اسباب تعرض به آن را فراهم آورد (لازرژ، ۱۳۸۲: ۵۳).

نظام حقوق کیفری با هدف حفاظت و حمایت از ارزش‌های اساسی و مورد قبول جامعه با تبیین رفتارهای خلاف و معارض قواعد و هنجارها، اعمال مجرمانه و منحرفانه را تعیین و مشخص می‌کند. سیاست جنایی هر جامعه می‌بایست برای جرم‌انگاری و خلاف قاعده دانستن اعمال و اقدامات افراد که تا پیش از این مباح تلقی می‌شدند، توجیه مناسبی ارائه دهد. رسالت حقوق کیفری و اعمال و اجرای مجازات همواره در گرو جرم‌انگاری است که اگر فرایند جرم‌انگاری در چارچوب معقول و مورد قبول جامعه انجام شود، می‌توان سیاست تقنینی کیفری را در راستای جرم‌انگاری موفق ارزیابی کرد و همگان به این مسئله که حمایت کیفری از ارزش‌های مورد قبول آنها، حمایتی شایسته و بایسته است، متفق‌القول می‌شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۵۶). حال اگر عملکرد سیاست تقنینی یک جامعه تحت عنوان جرم‌انگاری، از حدود نرمال و متعارف خود خارج شود و دامنه مداخله و پیشروی حقوق کیفری را در قلمرو اعمال مباح افراد گسترش دهد و یا با محدود کردن منطقه آزاد رفتاری، سبب توسعه منطقه کنترل شده رفتاری شود، سخن از جرم‌انگاری حداکثری یا امنیت‌مدار پیش می‌آید (هوساگ، ۱۳۹۰: ۲۶). در حقوق جزا ما با دو نوع سیاست کیفری روبه‌رو هستیم. در سویی سیاست کیفری عدالت‌محور قرار دارد و در سوی دیگر و مقابل آن، سیاست کیفری امنیت‌گرا (حداکثری، امنیت‌مدار و توسعه‌طلب) قرار دارد. در سیاست کیفری عدالت‌محور، اصل بر محدودیت قلمرو مسئولیت افراد و عدم مداخله در زندگی خصوصی آنان است و در سیاست کیفری امنیت‌گرا، که در چند دهه اخیر با مداخله روزافزون دولت‌ها در زندگی خصوصی افراد و گسترش مسئولیت فردی به منصف ظهور رسیده است؛ غایت ظاهری، حاکمیت امنیت به بهانه از بین رفتن و خدشه

به حقوق بشر است (توجهی و برنجی اردستانی، ۱۳۹۱: ۶۷). سیاست تقنینی با توجه به دیدگاه امنیت‌گرایی به کنترل گسترده رفتارهای اجتماعی از رهگذر جرم‌انگاری حداکثری می‌پردازد (مهدوی پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۳: ۵۷).

شکل جدید حقوق کیفری با روی کار آمدن رویکردهای سرکوبگر مانند حقوق کیفری دشمن مدار^۱ و جنگ علیه تروریسم،^۲ تا حدودی حقوق کیفری کلاسیک و سازوکارهایش را به حاشیه رانده است. عبور از محدودیت‌های حقوق کیفری و توسل به راهکارهای فراحقوقی با محوریت امنیت موجب بروز پدیده‌ای به نام امنیت‌گرایی شده است. امنیت‌گرایی تعبیری است که در سال‌های پایانی سده بیستم در ادبیات حقوقدانان ترویج یافته است (عالی پور و کارگری، ۱۳۸۹: ۱۹۳). این امر با بحران‌های جرم و جنایت در دهه‌های آخر قرن بیستم و ورود جهان به هزاره سوم و با وقوع حملات ۱۱ سپتامبر با گفتمان جنگ طلبانه و دشمن‌انگارانه عجین شده است. عمده گفتمان امنیت‌مدار پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا ایجاد شد و این حوادث گرانیگاه تحولات حقوق کیفری در عصر حاضر شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۳۷).

۲-۱. مبانی نظری جرم‌انگاری امنیت‌محور (حداکثری)

مبنای نظری لزوم جرم‌انگاری سخت‌گیرانه در قبال بزه جاسوسی را می‌توان با تکیه بر آموزه‌های شرعی و نیز حقوق کیفری تحلیل کرد. در زمینه مبنای شرعی می‌توان به چندین نکته مهم در این باره اشاره کرد. نکته اول آن است که اسلام به‌عنوان آیینی که بشارت‌دهنده سعادت فردی و اجتماعی است، برای ایجاد تعادل میان حق بر امنیت و حق بر آزادی راهکارهایی را بیان کرده که حکومت مبتنی بر تعالیم اسلامی بتواند به تکلیف خویش بر عرضه کالای امنیت برای همه شهروندان عمل کرده و با اعمال کیفر بر اخلال‌کنندگان امنیت عمومی، بستر رشد و تعالی انسان را فراهم کند. نکته دوم آنکه خداوند در قرآن کریم، قرائن و اماراتی را ذکر کرده که نشانگر اهمیت و جایگاه ممتاز «امنیت» در جامعه از منظر شریعت اسلامی است. معرفی امنیت به‌عنوان موهبت الهی (سوره حشر: ۲۳)، ذکر تقاضای امنیت

1. Criminal Law of Enemy

2. War on Terrorism

در صدر دعا‌های پیامبران (سوره ابراهیم: ۳۵) و تذکر به ضرورت امنیت جهت شرط اصلی رشد و توسعه جامعه (سوره انفال: ۲۶) را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. علاوه بر این در برخی از آیات قرآن به طور صریح، انتقال اطلاعات و اخبار به دشمنان اسلام مورد نکوهش شدید قرار گرفته و یا به‌عنوان خیانت به خدا و رسولش معرفی شده است.

نکته پایانی در ارتباط با پاسخ کیفری مربوط به جاسوسی از منظر شریعت اسلامی است. اگرچه در زمینه جواز یا عدم جواز تعیین کیفر قتل در قبال بزه جاسوسی، در بین نویسندگان و صاحب‌نظران اسلامی اختلاف نظر وجود دارد و برخی به جواز قتل (قرطبی، ۱۹۸۵: ۵۳) و برخی به تعیین مجازات تعزیری اکتفا کرده‌اند (العینی، بی‌تا: ۲۵۷)، اما قانونگذار در دوران پس از انقلاب، هم از منظر جرم‌انگاری و هم از لحاظ میزان پاسخ کیفری به اقتباس کامل از مقررات قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ اکتفا کرده است. در عین حال برخی از نویسندگان با تکیه بر شیوه خاص جرم‌انگاری افساد فی الارض در قانون مجازات ۱۳۹۲، اعمال کیفر اعدام را برای مرتکب بزه جاسوسی بعید ندانسته‌اند (آقابابایی، ۱۳۹۶: ۲۰).

در حقوق کیفری نیز با توجه به اینکه در جرم‌انگاری امنیت محور، مقنن در تلاش است تا با توسل به ابزار کیفری با هر نوع پدیده جرم با هدف تأمین نظم و امنیت عمومی مقابله کند، نظریه پنجره‌های شکسته و به تبع آن سیاست تسامح (تساهل، تحمل) صفر را می‌توان به نوعی مبانی نظری جرم‌انگاری امنیت محور (حداکثری) دانست. در عین حال مبانی نظری دیگری نیز در این زمینه مثل عدالت تخمینی، کیفرهای استحقاقی، کیفرشناسی مدرن و ... (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۵) معرفی شده است که به دلیل ضرورت اختصار، به مبانی نظری ذیل در این زمینه اکتفا می‌شود.

۱-۲-۱. نظریه پنجره شکسته^۱

تئوری پنجره‌های شکسته که از رهگذر تجربه میدانی فیلیپ زیمباردو، روانشناس آمریکایی به دست آمد، به دنبال برآورد نحوه واکنش شهروندان نسبت به یک اتومبیل رها شده

بود که آیا شهروندان به پلیس اطلاع خواهند داد یا اقدام به سوءاستفاده می‌کنند؟ وی دو اتومبیل در دو خیابان مختلف - یکی در محله فقیرنشین و دیگری در محله مرفه‌نشین - قرار داد. از آنجاکه در محله مرفه‌نشین حتی بعد از گذشت یک هفته تعرضی نسبت به اتومبیل صورت نگرفت، زیمنباردو برای نیل به مقصود خود، با پُتک به شکستن شیشه‌های اتومبیل مبادرت کرد و مشغول فیلمبرداری شد. وی مشاهده کرد که بعد از شکستن شدن شیشه ماشین شهروندان شروع به تعرض می‌کنند و خودرو به تدریج از بین می‌رود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۸). وی برای فیلمبرداری به نصب دوربین‌هایی در محل‌های مذکور اقدام کرد و مشاهدات وی حاکی از این موضوع بود که «با توجه به کم‌رنگ بودن قانون در محله‌های فقیرنشین، بعد از مدت اندکی یک خانواده اقدام به سرقت ضبط ماشین کردند و هرکس وسیله‌ای را به تاراج می‌برد تا اینکه بعد از بیست و چهار ساعت، فقط چارچوب فلزی ماشین باقی ماند». زیمنباردو بعد از مشاهداتش بیان کرد که گشت پلیس پیاده به خصوص پلیس محلی که قادر است با اجرای قواعد غیررسمی و خاص هر محل و فراتر از اجرای صرف قانون، اقتدار خود را حفظ کرده و به محض شکستن پنجره فوری آن را تعمیر کند و پنجره شکسته را حتی با توسل به اقدامات بعضاً خشونت‌آمیز به صورت اول برگرداند، کارایی بیشتری دارد (جوآنمرد، ۱۳۸۶: ۷۷). بعدها جرم‌شناسان از یافته‌های زیمنباردو به این نتیجه رسیدند که اگر تاکنون عده‌ای معتقد بودند که جرم عامل ایجاد بی‌نظمی و فساد است، حال باید گفت این بی‌نظمی و فساد است که عامل تحقق جرم در جامعه است. یعنی احساس عدم کنترل سبب پیدایش احساس به خود رهاشدگی و بی‌تکلیفی در افراد می‌شود که همین بی‌نظمی، موجبات تحقق بزهکاری را ایجاد می‌کند نه اینکه بزهکاری به بی‌نظمی منجر شود (شاملو، احمدی و خسروشاهی، ۱۳۹۶: ۵۱).

۲-۲-۱. نظریه تسامح صفر

تسامح صفر یکی از مصادیق جنبش‌های بازگشت به کیفر در کشورهای غربی است که

توسط نومحافظه‌کاران آمریکایی ظهور کرد. در این نظریه، استدلال اصلی در علت‌شناسی جرم بر این نکته مبتنی است که تسامح در برابر جرائم خُرد اولیه، زمینه‌ای برای ارتکاب جرائم بزرگ‌تر و شدیدتر محسوب می‌شود و در عوض دستگیری‌های فزاینده در جرائم خلافی و جنحه‌ای، سبب کاهش میزان جنایات خواهد شد. این سیاست به‌عنوان یکی از خشن‌ترین سیاست‌ها و رویه‌های منبعث شده از نظریه پنجره‌های شکسته، معتقد به واکنش رسمی و کیفری سرکوبگر در مقابله با تمام جرائم حتی جرائم بسیار سبک و ناچیز است (کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۵۵).

هدف سیاست تسامح صفر، برخورد با هرگونه جرم ارتكابی به‌منظور جلوگیری از وقوع جرائم شدیدتر است. به بیان ساده، تأکید نظریه پنجره‌های شکسته بر جلوگیری از شکستن پنجره‌ها و تکیه سیاست تسامح صفر بر یافتن پنجره‌های شکسته و برخورد شدید و سختگیرانه با عاملان آن است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

درعین‌حال در این زمینه باید اذعان کرد که علاوه بر مبانی نظری فوق، افزایش جرائم امنیتی همچون جاسوسی و تروریسم در کشورهای مختلف نیز همگان را به مبارزه همه‌جانبه و بین‌المللی با این پدیده مجرمانه وادار کرده است. وجود کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای درباره مصادیق و اشکال گوناگون جرائم علیه امنیت می‌تواند نشانگر تلاش کشورها در این باره باشد. در زمینه کنوانسیون‌های بین‌المللی مقابله با تروریسم، می‌توان به دوازده معاهده بین‌المللی اشاره کرد. علاوه بر تأثیرپذیری نسبی کشورها از منابع فراملی، قانونگذاران در سطح ملی نیز اقدام به تدوین متون قانونی در قبال جرائم علیه امنیت کردند که به تدریج دارای خصوصیات کاملاً متفاوت با سیاست‌های عقب‌نشینی حقوق کیفری در دهه‌های گذشته در قبال برخی جرائم علیه اموال و اشخاص است.

۲. نارسایی‌ها و راهکارهای اصلاحی

افزایش مجازات، راهکار اصلی و سنتی دولت‌ها در مقابله با افزایش جرائم مهم در جامعه بوده است. تحولات دهه‌های اخیر حقوق کیفری در قبال جرائم مهم علیه امنیت و نظم عمومی نشان می‌دهد که کشورها با تکیه بر چه تکنیک‌هایی، سیاست کیفری سرکوبگرانه‌ای

را در این زمینه اتخاذ کرده‌اند. تکنیک‌هایی که مرکز ثقل خود را استفاده از ظرفیت درونی حقوق کیفری در مبارزه با این گروه از جرائم قرار داده و سیاست کیفری ایران در قبال بزه جاسوسی کمترین استفاده را از آنها کرده است. با توجه به این مهم، ادامه مقاله با تکیه بر تشریح آسیب‌ها و ارائه راهکارهای اصلاحی به ترتیب ذیل خواهد آمد:

۱. ابهامات تقنینی (عدم تعریف جاسوسی و ضرورت‌ها)، ۲. تحدید موضوع جاسوسی، ۳. عدم شمول جرم‌انگاری جاسوسی از منافع اساسی مردم، ۴. عدم بهره‌مندی از ظرفیت جرم‌انگاری‌های جدید جاسوسی، ۵. تحدید جرم‌انگاری به سوءنیت خاص و انگیزه مجرمانه، ۶. استفاده از قیود متعدد و غیرضروری در متون قانونی جاسوسی، ۷. عدم جرم‌انگاری مستقل معاونت در جاسوسی، ۸. عدم سیاست کیفری سنجیده در متون قانونی ناظر بر جاسوسی.

سعی نگارنده بر آن بوده که در مقام تحلیل ایرادهای فوق و در راستای ارائه پیشنهادها و اصلاحی، به رویکرد برخی از کشورها همچون فرانسه و آمریکا نیز اشاره‌ای مختصر شود. در واقع تنها در قالب یک مطالعه تطبیقی است که می‌توان امتیازات و نارسایی‌های سیاست کیفری یک کشور را در قبال جرم خاصی مشاهده کرد.

۲-۱. ابهامات تقنینی

۲-۱-۱. عدم تعریف جاسوسی و خیانت به کشور و مصادیق آنها

مطالعه سیاست کیفری ایران در قبال جرم جاسوسی نشانگر آن است که قانونگذار در زمینه مهمترین مسائل مربوط به این جرم غیرشفاف و مبهم عمل کرده است. سیاستی که سبب بروز اختلاف در حیطه و شمول این جرم در میان جامعه حقوقی کشور شده است. اختلاف‌های نظری که به دلیل این ابهامات در میان حقوقدانان و رویه قضایی وجود دارد، تنها محدود به یک دسته از موضوعات جزئی نیست، بلکه پیرامون مصادیق جاسوسی و یا ارکان مادی و معنوی آن هم اختلافات نظرهای متعددی وجود دارد. رویکردهای مختلفی که جایگاه اصل کیفی بودن قوانین کیفری (لزوم صراحت و شفافیت متون قانونی) را درباره این جرم مهم مورد مخاطره قرار می‌دهد. نخستین اختلاف محوری مربوط به مصادیق

جاسوسی در حقوق کیفری ایران است. از آنجاکه قانونگذار هیچ‌گونه تقسیم‌بندی در زمینه مقررات مربوط به جرائم علیه امنیت را مطرح نکرده، درباره برخی از جرائم علیه امنیت همواره این پرسش وجود دارد که آیا این موارد به‌عنوان مصداقی از جرائم جاسوسی قابل پذیرش هستند یا خیر؟ به همین دلیل است که برخی از حقوقدانان ایرانی همکاری با دول خارجی متخاصم (موضوع ماده (۵۰۸) ق.م.ا. را - به تبعیت از مصدق پذیرفته شده جاسوسی از سوی قوانین جزایی سایر کشورها - مصداقی از جاسوسی در حقوق کیفری ایران دانسته‌اند (پیمانی، ۱۳۹۲: ۴۶) و برخی دیگر از حقوقدانان، بزه مزبور را تنها به‌عنوان یکی از جرائم علیه امنیت مطرح کرده‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

درباره شمول موضوعات جاسوسی نیز در حقوق کیفری ایران وحدت نظری وجود ندارد. برخی از حقوقدانان مقصود از «اسرار مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور (مذکور در ماده (۵۰۱) ق.م.ا.) را شامل تمامی اسرار محرمانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دانسته‌اند (همان: ۸۵) و برخی دیگر آن را محدود به اسرار سیاسی و نظامی تفسیر کرده‌اند (زراعت، ۱۳۸۷: ۳۷۵). علاوه بر این، به دلیل ابهامات موجود، برخی از نویسندگان پاره‌ای از جرائم مرتبط با جاسوسی مانند اخفا یا سبب اخفا شدن جاسوسی را نیز به‌عنوان مصداقی از جاسوسی در حقوق کیفری ایران مطرح کرده‌اند (فرخ سیری، ۱۳۷۶: ۸۰).

سیاست کیفری ایران درباره نحوه تفکیک جرم جاسوسی از خیانت به کشور نیز فاقد شفافیت لازم است. درحالی‌که برخی از نویسندگان حقوقی به دلیل عدم اشاره قانونگذار به‌عنوان مجرمانه خیانت به کشور، وجود چنین عنوان مجرمانه‌ای را در قلمرو جرائم علیه امنیت امکان‌پذیر ندانسته‌اند (رحمدل، ۱۳۹۴: ۱۶۸؛ شامبیاتی، ۱۳۹۳: ۱۰۲)، برخی دیگر از حقوقدانان مصدق مختلفی از جرائم علیه امنیت همچون طرح براندازی، همکاری با دشمن متخاصم و نیز تسلیم اسرار به نیروهای خارجی را از مصدق قانونی خیانت به کشور تشخیص داده‌اند (گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۳۴۸؛ کاردان، ۱۳۷۸: ۱۴۷).

با توجه به ابهامات فوق به نظر می‌رسد لازم است قانونگذار در راستای اعمال سیاست کیفری شفاف و صریح و نیز جهت رعایت اصل قانونمندی جرائم و مجازات‌ها، برخی اقدامات تقنینی را انجام دهد که در ادامه به برخی از آنها اشاره شود.

۲-۱-۲. ضرورت‌ها

۲-۱-۲-۱. ارائه تعریف

اگرچه درباره اینکه آیا قانونگذار وظیفه دارد پیرامون عناوین مجرمانه مذکور در قانون جزایی تعریفی ارائه کند اختلاف نظر وجود دارد (شیخلی، ۱۹۹۵: ۶۱)، اما ارائه تعریف قانونی از مرسوم‌ترین روش‌هایی است که قانونگذار می‌تواند از طریق آن مقاصد مدنظر خود را بیان کند. تهیه و تدوین چنین تعریفی که بتواند ابهامات احتمالی را برطرف کند، نیازمند دقت و مطالعه کافی تدوین‌کنندگان قانون به تعاریف ارائه شده در زمینه جاسوسی است که بررسی آنها نشانگر دو تعریف حداقلی و حداکثری از بزه جاسوسی است. قانونگذار می‌تواند با بررسی آثار هر کدام از آنها و ارائه یک تعریف قانونی، بسیاری از ابهامات را برطرف کند.

تعریف جاسوسی می‌تواند از بررسی لغوی و اصطلاحی جاسوسی آغاز شود. در برخی از فرهنگ‌های لغت، جاسوسی به معنای جستجوکننده خبر، اطلاع‌دهنده اسرار و نیز فردی که اخبار و اطلاعات کسی یا مؤسسه‌ای و یا کشوری را مخفیانه جمع‌آوری کرده و به شخص، مؤسسه و یا کشور دیگری اطلاع می‌دهد اطلاق شده است (عمید، ۱۳۹۰: ۵۴۰). در برخی از فرهنگ‌های حقوقی نیز جاسوسی شامل مراحل جستجو، تسلیم و تخریب اسراری دانسته شده است که به نفع کشور خارجی و به ضرر دفاع ملی انجام شود (Cornu, 1992: 403). علاوه بر این از نظر حقوق بین‌الملل عمومی نیز جاسوس به کسی اطلاق شده است که به صورت محرمانه و یا با عناوین نادرست و جعلی، به نفع دشمن درصدد تحصیل اطلاعات از نقشه و قوای طرف مقابل و مقاصد او برآید (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۸۹). ماده (۲۹) معاهده ۱۹۰۷ لاهه نیز درباره جاسوسی بیان کرده است که جاسوسی تنها در مورد کسی که به صورت مخفیانه و تحت پوشش‌های غیرواقعی، اخبار و اطلاعات را به غرض رساندن به دشمن در مناطق جنگی جمع‌آوری کرده، صادق است (گارو، بی‌تا: ۴۶۹).

محدودیت تعاریف ارائه شده به زمان جنگ و یا معلومات خاص سیاسی و امنیتی مورد انتقاد برخی از حقوقدانانی قرار گرفته است که با توجه به ضرورت‌های قرن فعلی، معنای وسیع‌تری را از جاسوسی مدنظر قرار داده‌اند (الاعظمی، ۱۹۸۱: ۱۶). به همین دلیل گروه اخیر جاسوسی را شامل مطلع کردن، افشای خبر و یا هر امری که اقدام به آن برای

منافع اساسی یک کشور ضرر بار بوده باشد، تشخیص داده‌اند، خواه از داخل و یا خارج انجام شده باشد و یا به جهت نفع شخصی و یا بدون آن انجام شود (همان: ۱۷). بنابراین بسته به اینکه تعریف مورد نظر قانونگذار از جاسوسی، مضیق و یا موسع باشد، مصادیق و شرایط قانونی آن نیز می‌تواند محدود و یا گسترده ارزیابی شود. انتخاب هر کدام از تعاریف می‌تواند پرسش‌های محوری را در زمینه جرم جاسوسی به صورت متفاوتی پاسخ دهد. پرسش‌هایی از قبیل اینکه آیا مصادیق جاسوسی محدود به جمع‌آوری و دادن اطلاعات و اسرار بوده و یا مصادیق دیگری را نیز در این زمینه شامل می‌شود؟ آیا موضوع جاسوسی صرفاً اطلاعات و اسرار است و یا اموال مادی و غیرمادی دیگری را هم شامل می‌شود؟ آیا منظور از اطلاعات و اسرار تنها محدود به حوزه‌های سیاسی و امنیتی بوده و یا شامل زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی نیز می‌شود؟ تفکیک جرائم جاسوسی و خیانت به کشور با تکیه بر کدام معیار مورد پذیرش خواهد بود؟ تنها زمانی قابل پاسخگویی در حقوق کیفری ایران خواهد بود که قانونگذار رویکرد صریح خود را در این زمینه‌ها، در قالب متون قانونی تبیین کند و از بروز اختلاف نظرات حقوقی در نزد رویه قضایی و نیز دکنترین حقوقی بکاهد.

۲-۲-۱-۲. احصای مصادیق

در مواردی که قانونگذار به ارائه تعریف قانونی از جرم تمایل ندارد، استفاده از روش «احصای مصادیق» نیز می‌تواند انتخاب دیگر قانونگذار باشد. رویکردی که قانونگذار می‌تواند از این طریق نیز سیاست‌های کیفری خود را در قالب مواد قانونی ارائه دهد. رویکردی که مورد توجه قانونگذار جزایی فرانسه قرار گرفته است. ماده (۱-۴۱۱) قانون مجازات عمومی فرانسه مقرر می‌دارد: «اعمال ارتكابی تبیین شده در مواد (۲-۴۱۱ تا ۱۱-۴۱۱) خیانت به کشور خواهد بود زمانی که یک فرانسوی و یا یک نظامی در خدمت نیروهای مسلح آن را مرتکب شود و در صورت انجام آن توسط سایر افراد عنوان جاسوسی محقق خواهد شد»^۱.

1. N.C.P. art 411-1: "Les faits définis par les articles 411-2 à 411-11 constituent la trahison lorsqu, ils sont commis par un Français ou un militaire au service de la France et l, espionnage lorsqu, ils sont commis par toute autre personne".

قانونگذار فرانسه با بیان فوق دو کار عمده را در این زمینه انجام داده است. اول آنکه با کنار نهادن معیارهای ذهنی^۱ و عینی^۲ متمایل به دیدگاهی شده که مدت‌ها مورد انتقاد شدید نویسندگان این کشور بوده است (کارو، بی تا: ۷۱۴). دیدگاهی که با معیار قرار دادن «ملیت»^۳ مرتکب، جرائم جاسوسی و خیانت به کشور را به راحتی از یکدیگر تفکیک می‌کند و به دلیل سادگی ضابطه انتخابی و نیز آسان بودن اجرای آن اخیراً طرفداران زیادی را به خود جذب کرده است (Leclerc, 1994: 223). دوم آنکه با احصای مصادیق جاسوسی و خیانت به کشور در مواد (۲-۴۱۱ تا ۱۱-۴۱۱)، محدوده این جرائم را به روشنی معین کرده است. مصادیق مزبور شامل موارد ذیل است:

الف) تسلیم تمام یا قسمتی از سرزمین ملی، نیروهای مسلح و وسایل دفاعی کشور به قدرت‌های خارجی (موضوع مواد (۲-۴۱۱ و ۳-۴۱۱))،

ب) همدستی با یک قدرت خارجی و یا عوامل آنها (موضوع مواد (۴-۴۱۱ و ۵-۴۱۱))،

ج) جمع‌آوری و تسلیم اطلاعات به قدرت خارجی (موضوع مواد (۶-۴۱۱، ۷-۴۱۱ و ۸-۴۱۱))،

د) خرابکاری (موضوع ماده (۹-۴۱۱))،

ه) ارائه اطلاعات نادرست به مقامات مسئول (موضوع ماده (۱۰-۴۱۱)).

استفاده از این روش که در حقوق ایران در ماده (۲۴) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مورد استفاده قرار گرفته است - به دلیل سهولت انتقال مقاصد قانونگذار به مخاطبان - مورد استقبال قوانین کیفری کشورهای دیگری همچون سوئیس (Panchaud, Ochsenbein et Ruymbeke, 1989: 224-226) نیز قرار گرفته است. استفاده از این روش در قانون مجازات اسلامی نیز می‌تواند بسیاری از ابهامات موجود را برطرف کند. این ابهامات زمانی افزایش می‌یابد که قانونگذار ایران در سیاست کیفری خود تحقق برخی

۱. دیدگاهی که در مقام تفکیک جاسوسی از خیانت به کشور بر عنصر روانی و درونی مرتکب تکیه می‌کند. قصد مرتکب هرگاه ایراد ضرر به امنیت کشور باشد خیانت به کشور محقق شده است و هرگاه قصد وی رسیدن به منافع نفسانی باشد جاسوسی به وجود آمده است.

۲. دیدگاهی که در مقام تفکیک جرائم فوق بر رکن مادی مرتکب تأکید می‌کند. تفحص و جستجوی اسرار و اطلاعات رکن مادی جاسوسی و تسلیم اطلاعات رکن مادی خیانت به کشور خواهد بود.

از جرائم مرتبط با جاسوسی - مانند موضوع مواد (۵۰۲ و ۵۱۰ ق.م.ا.ق). را نیز موکول به تحقق جاسوسی کرده است. توضیح آنکه وقتی بزه جاسوسی از نظر مصادیق و شمول جرم‌انگاری آن مورد ابهام باشد، چگونه باید به تشخیص صحیح جرائم مرتبط با جاسوسی خوشبین بود.

۲-۲. تحدید موضوع جاسوسی

در زمینه موضوع جاسوسی، سیاست کیفری ایران به دلیل اتخاذ سیاست کیفری خاص بسیار آسیب‌پذیر به نظر می‌رسد.

۲-۲-۱. تحدید موضوع جاسوسی به اطلاعات

سیاست کیفری ایران در زمینه موضوع این جرم به تصریح (۵۰۵) ق.م.ا.ق و بند «ب» ماده (۲۴) ق.م.ن.م، محدود به اطلاعات، اسناد و مذاکرات شده است. در مقابل سیاست کیفری برخی کشورها از جمله سوریه و فرانسه در زمینه این مصداق از جاسوسی، علاوه بر اطلاعات و اسناد شامل اموال مادی نیز می‌شود. توضیح آنکه قانونگذار فرانسه در ماده (۷-۴۱۱) قانون جزای فرانسه علاوه بر اینکه درباره موضوعات این جرم به اسناد و اطلاعات اشاره می‌کند، به موازات آن از عبارت «اشیاء»^۱ نیز بهره گرفته است. این اصطلاح در فرهنگ‌های حقوقی به معنای «اموال مادی قابل لمس» آمده است (Cornu, 1992: 545). بر این اساس برخی از نویسندگان حقوقی با استناد به استفاده قانونگذار فرانسه از این تعبیر، جمع‌آوری مواد منفجره و یا اسلحه به قصد تسلیم به دشمن را نیز مصداقی از جاسوسی دانسته‌اند (ریاض‌الخانی، ۱۹۹۴: ۱۲۰). همین رویکرد را قانونگذار سوریه در ماده (۲۷۱) قانون جزای سوریه دارد که صراحتاً اشیاء را در زمره موضوع جاسوسی پذیرفته است. در نظام حقوقی آمریکا نیز در قلمرو جاسوسی اقتصادی و براساس ماده (۱۸۳۱) مصوب ۱۹۶۰، موضوع جاسوسی می‌تواند ملموس و عینی و یا غیرملموس و غیرعینی باشد (نجفی توانا و امینی، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

۲-۲-۲. تحدید موضوع جاسوسی به اطلاعات سیاسی و امنیتی

جاسوسی از نظر شمول یا عدم شمول جنبه‌های متنوع امنیتی نیز می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. از این رو باید سیاست کیفری کشورها را در این زمینه در سه گروه جداگانه دسته‌بندی و سپس موضع ایجاد شده در حقوق کیفری ایران را در این رابطه ارزیابی کرد. سیاست کیفری برخی از کشورها در این باره چنین بوده است که از ارائه هرگونه تبیین پیرامون نوع کیفیت اسرار و اطلاعات و اسناد خودداری ورزیده‌اند. برخی از نویسندگان علت عدم ارائه تعریف در این زمینه از سوی برخی قوانین جزایی را ناشی از تنوع شاخه‌ها و متنوع بودن اسرار و اطلاعات دانسته‌اند. در حقیقت به اعتقاد آنها تنوع اسرار مانع از ارائه تعریف دقیق در این زمینه شده است (فتحی سرور، ۱۹۶۳: ۴۳). این سیاست کیفری که مورد پذیرش قانون جزای سوریه قرار گرفته، از این جهت که به مجریان قانون اجازه تفسیر موسع در مقام تطبیق قانون با مصادیق را می‌دهد، از سوی برخی از نویسندگان مورد انتقاد واقع شده است (الاعظمی، ۱۹۸۱: ۱۳۸).

برخی دیگر از کشورها در این زمینه تنها اکتفا به ارائه تقسیم‌بندی‌های کلی کرده و تبیین بیشتر انواع و اقسام آن را به مراجع اجرایی واگذار کرده‌اند تا مراجع مزبور خود به تبیین درجات اسرار و اطلاعات مربوطه اقدام کنند. این همان دیدگاهی است که مورد توجه حقوق کیفری ایران در قانون مجازات اسلامی و نیز قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح قرار گرفته است.

با توجه به مطالب فوق، سیاست کیفری فرانسه را می‌توان خارج از روش‌های معمول در این زمینه قلمداد کرد. در قانون جزایی ۱۹۹۴ فرانسه با ایجاد ارتباط بین موضوع جاسوسی در ماده (۷-۴۱۱) با منافع اساسی ملت در ماده (۱-۴۱۰)، قانونگذار توانسته دامنه شمول این اطلاعات و اسناد را توسعه جدی دهد. از این رو با ایجاد این تغییر باید گفت دامنه شمول مقررات جاسوسی تا فعالیت‌های اقتصادی، صنعتی و فرهنگی پیش رفته است. بنابراین این امکان وجود دارد که براساس قانون جدید، تلاش برخی از افراد در جهت تحصیل و جمع‌آوری اطلاعات صنعتی و اقتصادی به دلیل حفظ موقعیت یک دولت در رقابت‌های صنعتی و اقتصادی نیز مشمول عنوان جاسوسی و یا خیانت به کشور شود (Bouloc et Mayaud, 1996: 629).

در حقوق آمریکا نیز براساس ماده (۱۸۳۱) قانون جاسوسی اقتصادی مصوب ۱۹۹۶، تصاحب راز تجاری یا صنعتی متعلق دولت یا بخش خصوصی، در صورتی که به هر شکلی صورت پذیرد، مشمول کیفر حبس تا پانزده سال و همچنین پنج میلیون دلار جریمه نقدی خواهد شد. علاوه بر این قانونگذار فدرال در اعمال سیاست سختگیرانه، شروع به جرم و نیز تبانی برای انجام چنین کاری را نیز مشمول همان کیفر دانسته و ارتکاب آن توسط اشخاص حقوقی را نیز موجب جزای نقدی تا ۱۰ میلیون دلار دانسته است (قبولی درافشان، دانش تاری و ساعتچی، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

۲-۲-۳. تحدید موضوع جاسوسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده

لزوم طبقه‌بندی بودن اطلاعات و اسرار نیز می‌تواند جرم‌انگاری بزه جاسوسی از نظر رکن مادی را دچار محدودیت مضاعف شده کند. لزوم طبقه‌بندی اطلاعات (محرمانه، خیلی محرمانه، سرّی، به‌طور کلی سرّی) که در ماده (۵۰۵ ق.م.ا) به‌عنوان یکی از شرایط موضوع جاسوسی ذکر شده، در مقررات برخی از کشورهای دیگر مشاهده نمی‌شود. برای مثال در ماده (۷-۴۱۱) قانون جزای فرانسه، قانونگذار با پذیرش یک معیار نوعی بیان کرده که موضوع جاسوسی در این ماده محدود به اطلاعات و اسنادی است که افشا یا جمع‌آوری آنها برای منافع اساسی ملت فرانسه نوعاً ضرر بار باشد. بنابراین هرگونه اطلاعاتی که برای منافع سیاسی - امنیتی، اقتصادی، علمی و فرهنگی مردم فرانسه نوعاً ضرر بار باشد می‌تواند موضوع جاسوسی قرار گیرد، هرچند که آن اطلاعات محرمانه نباشد (Leclerc, 1994: 223).

۲-۳-۲. عدم شمول جرم‌انگاری جاسوسی از منافع اساسی مردم

خطرآفرینی علیه «شخص حاکم، خانواده و نزدیکان»، خطرآفرینی علیه «امنیت داخلی و خارجی دولت» و نیز خطرآفرینی علیه «منافع اساسی ملت» تحولاتی است که در زمینه جرائم علیه امنیت از دوران حقوق قدیم و قرون وسطی آغاز و تا آغاز هزاره سوم ادامه داشته است. اگر معیار تحقق اکثریت جرائم علیه امنیت در دوران قدیم، تنها خطرآفرینی علیه شخص حاکم، خانواده و یا نزدیکان وی بوده است، در تحول بعدی، معیار و ملاک جرم‌انگاری این دسته از جرائم، خطرآفرینی علیه دولت تعیین شد. این سیاست کیفری

که مبتنی بر تفکیک دولت و منافع اساسی آن از حاکمان و منافع آنان است، از این پس ترجیح خود را در قلمرو جرائم علیه امنیت، در پاسخگویی به رفتارهایی می‌داند که برای منافع اساسی دولت ضرر بار باشد، هرچند که لطمات نسبت به مقامات سیاسی مسئول نیز با تعیین پاسخ‌های کیفری معتدل، ابراز بی‌تفاوتی نمی‌کند. در همین دوران است که در تقسیم‌بندی‌های ابواب قانون مجازات‌ها، ابتدا از عناوین «جنایات و جنحه‌های علیه امنیت داخلی» و «جنایات و جنحه‌های علیه امنیت خارجی» و سپس از عنوان «جنایات و جنحه‌های علیه امنیت دولت» سخن به میان آمد.

بررسی مواد قانونی ناظر بر بزه جاسوسی در حقوق کیفری ایران نشان می‌دهد که رویکرد حاکم بر جرم‌انگاری مواد تقنینی صورت گرفته در همین دوران قرار دارد. این در حالی است که امروزه به دلیل بروز جنبه‌های جدید امنیتی، لازم است که نوع نگرش به جرم‌انگاری این بزه متفاوت باشد. از این روست که در دهه‌های اخیر در برخی از کشورها از جمله در حقوق کیفری فرانسه، سخن از معیار جدیدی در تحقق جرائم علیه امنیت است که همانا امکان نوعی خطرآفرینی علیه «منافع اساسی ملت» است. معیاری که دامنه شمولی بزه جاسوسی را چنان بسط می‌دهد که می‌تواند حقوق ملت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علمی مورد حمایت کیفری ویژه قرار دهد. ماده (۱-۴۱۰) قانون جزای فرانسه در مقام تدوین و تشریح منافع اساسی ملت مقرر داشته است: «منافع اساسی ملت به معنایی که در مقررات این عنوان به کار رفته شامل حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، حفظ امنیت کشور، حفظ شکل تأسیسات جمهوری، حفظ وسایل دفاعی کشور، حفظ دیپلماسی کشور، حفظ و حمایت از افراد جامعه در داخل یا خارج، تأمین تعادل و آرامش در محیط زیست و اطراف آن و نیز حفظ و حمایت از اصول اساسی توانایی ملت در امور علمی، اقتصادی و میراث فرهنگی است»^۱.

1. N.C.P. art 410-1: "Les intérêts fondamentaux de la nation s, entendent au sens du présent titre de son indépendance, de l'intégrité de son territoire, de sa sécurité, de la forme républicaine de ses institutions, des moyens de sa défense et sa diplomatie, de la sauvegarde de sa population en France et à l'étranger, de l'équilibre de son milieu naturel et de son environnement et des éléments essentiels de son potentiel scientifique et économique et de son patrimoine culturel».

با توجه به همین موضوع است که تخریب یک اثر جاودان فرهنگی و هنری در حقوق فرانسه جاسوسی است، اما در حقوق ایران به‌عنوان جاسوسی به آن تعلق نمی‌گیرد.

۲-۴. عدم بهره‌مندی از ظرفیت جرم‌انگاری‌های جدید

نظام‌های حقوق کیفری، راهکارهای متعدد و متفاوتی را در اختیار دارند تا قلمرو جرم‌انگاری را جهت ساماندهی مبارزه علیه جرائم، دچار قبض یا بسط کنند. در زمره این راهکارها استفاده از ابزار جرم‌انگاری‌های جدید، برای انطباق هرچه بیشتر مقررات با تحولات جدید جرائم است. در واقع به همان میزان که دامنه جرم‌انگاری جرائم علیه اموال و اشخاص مشمول سیاست‌های عقب‌نشینی حقوق کیفری قرار گرفته اند، جرم‌انگاری جرائم خطرآفرین علیه امنیت کشور مانند جاسوسی به جرم‌انگاری‌های توسعه‌مدار و تهاجمی متمایل شده است. در حقوق کیفری ایران، علاوه بر آنکه جرم‌انگاری جرائم جاسوسی (موضوع مواد (۵۰۱، ۵۰۲ و ۵۰۳) ق.م.ا) از سال ۱۳۰۴ تاکنون هیچ‌گونه تغییر محتوایی و مبنایی نداشته و قانونگذار نیز هیچ اقدامی در راستای استفاده از ابزار و روش جرم‌انگاری‌های جدید نکرده است. این در حالی است که در سایر کشورهای دیگر از این ابزار به خوبی جهت مبارزه با بزه جاسوسی یا جرائم دیگر استفاده می‌کنند. در همین راستا قانونگذار فرانسه به جرم‌انگاری جرائم «اشتغال به یک فعالیت جهت دریافت یا ارائه اطلاعات (موضوع ماده (۸-۴۱۱)) و نیز فراهم کردن اطلاعات نادرست برای مقامات مسئول (موضوع ماده (۱۰-۴۱۱)) روی آورد. به نظر می‌رسد اقتباس چنین جرم‌انگاری‌هایی در دفاع از امنیت کشور می‌تواند قابل دفاع باشد.

۲-۵. تحدید جرم‌انگاری به سوءنیت خاص و انگیزه مجرمانه

از آنجاکه بزه جاسوسی در زمره جرائم مادی صرف نیست، احراز رکن روانی آن از شرایط مهم و ضروری این جرم تشخیص داده می‌شود. ممکن است تحقق رکن روانی در برخی از مصادیق این جرم تنها منوط به سوءنیت عام شده باشد و در برخی دیگر از جرائم، وجود سوءنیت خاص نیز ضروری شمرده شود. از این رو مهمترین پرسش در زمینه رکن معنوی جاسوسی

در حقوق کیفری ایران، آن است که کدام یک از اجزای رکن روانی در تحقق این بزه شرط است؟ آیا قانونگذار برای تحقق این جرم علاوه بر سوءنیت عام - که طی آن مرتکب با علم به موضوع انجام رفتاری را براساس اراده آزاد خود خواستار می شود - سوءنیت خاصی را هم ضروری دانسته است؟

در حقوق کیفری ایران و با توجه به نحوه تدوین مقررات قانون مجازات اسلامی و نیز قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، باید بر این اعتقاد بود که در ارتباط با جرائم جاسوسی، سوءنیت عام و خاص هر دو ضروری است. از این رو در ارتباط با جرم جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده (موضوع ماده (۵۰۵) ق.م.ا)، علاوه بر سوءنیت عام، وجود سوءنیت خاص - قصد برهم زدن امنیت عمومی - ضروری است. درباره انتقال اطلاعات به افراد فاقد صلاحیت (موضوع ماده (۵۰۱) ق.م.ا) نیز علاوه بر ضرورت اقدام عمدی مرتکب در جهت انتقال و تسلیم اطلاعات (سوءنیت عام)، انجام این عمل به قصد جاسوسی (سوءنیت خاص) نیز ضروری است. بنابراین هرگاه فردی اطلاعات محرمانه ای را بدون قصد جاسوسی در اختیار برخی از بستگان خود قرار دهد، به دلیل عدم وجود سوءنیت خاص جرم مزبور محقق نخواهد شد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۸: ۹۲). قانونگذار در ارتباط با جرم ورود غیرمجاز به اماکن نظامی و امنیتی نیز علاوه بر اینکه اقدام مرتکب در جهت ورود به این اماکن را ضروری دانسته، وجود سوءنیت خاص (قصد سرقت و یا تحصیل اطلاعات) را هم لازم می داند. به همین دلیل است که ورود مرتکب به قصد کنجکاوی، بدون تردید خارج از موارد جرم یاد شده خواهد بود.

سیاست کیفری فرانسه در این باره می تواند به عنوان یکی از راهکارها مورد توجه قرار گیرد. سیاست کیفری که در اکثر موارد در مصادیق جاسوسی با اکتفا به جزء عام رکن روانی، توسعه دامنه جرم انگاری را محقق کرده است. مهم آن است که اعمال مرتکبین نوعاً بتوانند برای منافع اساسی ملت فرانسه مضر تلقی شود. عدم لازم شمردن وجود سوءنیت خاص و اکتفا به نوعاً مضر بودن اعمال مرتکب برای منافع بنیادین ملت فرانسه را قانونگذار فرانسه در مواد مختلف جزایی از جمله در مواد (۶-۴۱) تسلیم اطلاعات، روش ها، اشیا و اسناد به قدرت خارجی) و (۹-۴۱) خرابکاری در اسناد، اموال تجهیزات و تأسیسات) نیز مطرح کرده است.

از بررسی مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که سیاست کیفری فرانسه - برخلاف سیاست کیفری ایران - تحقق جرائم جاسوسی را به ندرت به احراز سوءنیت خاص مرتکبان موکول کرده است. این اقدام قانونگذار فرانسه زمینه تحقق این جرائم را آسان تر و مجریان قانون را از اثبات سوءنیت خاص جرائم مذکور معاف کرده است. به بیان دیگر می‌توان سیاست کیفری فرانسه در اکتفا کردن به جزء عام رکن روانی جاسوسی را در راستای همان سیاست کیفری مبتنی بر توسعه دامنه جرم انگاری دانست. سیاستی که اجازه می‌دهد تا مصادیق جاسوسی بدون تقید و التزام به شرایط حداکثری رکن روانی ارتکاب یابند.

علاوه بر این قانونگذار در حقوق کیفری ایران، در مقام تدوین رکن قانونی موضوع ماده (۵۰۵) ق.م.ا (بزه جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده)، در کنار لزوم سوءنیت عام و خاص، به ضرورت تحقق «انگیزه تسلیم به دیگری» نیز اشاره کرده است. این در حالی است که غالباً انگیزه نقشی در تحقق یا عدم تحقق جرائم مختلف براساس اصول کلی حقوق کیفری ندارد. با این حال قانونگذار در جرم‌انگاری بزه مهمی چون «جاسوسی» به آن جایگاه خاصی داده که از این جهت بسیار قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

۶-۲. استفاده از قیود متعدد و غیر ضرور در متون قانونی

در این روش مقنن سعی می‌کند تا ضمن حفظ جامعیت متون تقنینی، دامنه جرم‌انگاری جرم را با به‌کارگیری قیود متعدد با محدودیت مواجه نکند. تحلیل برخی از مواد قانونی ناظر بر جرائم علیه امنیت، در حقوق فرانسه و مقایسه آن با مصادیق مشابه در حقوق ایران به راحتی می‌تواند ضرورت توجه به چنین سیاست کیفری را آشکار کند. در حقوق کیفری فرانسه و براساس ماده (۱۰-۴۱۳)، تحقق بی‌مبالاتی از سوی هر فردی که عرفاً امین تلقی شده و بی‌مبالاتی او به آشکار شدن اسرار دفاعی کشور منتهی شود را مشمول کیفر دانسته است.

از این رو هر فردی که خواه از طرف دولت و یا به دلیل حرفه خود امین دانسته شده با بی‌مبالاتی زمینه افشای اسرار اطلاعاتی کشور را فراهم کند در حقوق فرانسه به‌عنوان یکی از جرائم علیه دفاع ملی قابل مجازات دانسته شده است. از این رو برخی از نویسندگان حقوقی فرانسه، مهندس تعمیرکاری را که در بخش خصوصی فعالیت و برای تعمیر و بازدید برخی از اشیا

اقدام می‌کند و از این طریق برخی از اسناد اطلاعاتی را به دست می‌آورد، در صورت بی‌مبالاتی مشمول کیفر موضوع ماده (۱۰-۴۱۳) قلمداد می‌کند (Bouloc et Mayaud, 1996: 653). این در حالی است که سیاست کیفری ایران در این زمینه کاملاً برعکس بوده است. به‌کارگیری قیود متعدد در تدوین ماده (۵۰۶) ق.م.ا (بخش تعزیرات)، دامنه جرم‌انگاری این جرم را بسیار محدود کرده است. اول آنکه در حقوق کیفری ایران ارتکاب این جرم به تصریح مقنن به مأمورین دولتی که رابطه استخدامی با دولت داشته و علاوه بر این در زمان ارتکاب جرم، مشمول حفاظت اطلاعات بوده‌اند محدود شده است. دوم آنکه قانونگذار تحقق بی‌مبالاتی ازسوی مرتکب جرم را برای تحقق عمل مجرمانه کافی ندانسته بلکه لازم است که مأمور دولتی ازسوی گیرنده اطلاعات، تخلیه اطلاعاتی شود و سوم آنکه انجام تخلیه اطلاعاتی نیز لازم است ازسوی دشمن انجام شده باشد. واضح است که به‌کارگیری چنین قیود متعددی تا چه میزان می‌تواند دامنه وقوعی این جرم را محدود کند. این در حالی است که قانونگذار در ماده (۲۷) قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ تحقق این جرم ازسوی نظامیان را محدود به تخلیه اطلاعاتی ازسوی دشمنان نکرده و دامنه وقوعی این جرم را توسعه داده است.

در این باره مثال دیگری را نیز می‌توان در حقوق کیفری فرانسه مطرح کرد. «همدستی با یک قدرت خارجی» نیز به‌عنوان یکی از مصادیق جاسوسی در ماده (۴-۴۱۱) مورد پذیرش قرار گرفته است. قانونگذار فرانسه در این زمینه مقرر کرده است: «همدستی با یک قدرت، شرکت، سازمان و مؤسسه خارجی و یا تحت کنترل خارجی و یا عوامل آنها به قصد ایجاد دشمنی یا به قصد انجام اعمال خشونت‌آمیز علیه فرانسه دارای مجازات تا سی سال حبس جنایی و نیز تا ۴۵۰ هزار یورو جزای نقدی است».

بیان مقنن در ماده فوق سبب شده تا شمول جرم مزبور شامل هر فرد یا گروهی شود که علیه منافع کشور فرانسه اقدام به همدستی با هر سازمان یا مؤسسه و یا قدرت خارجی کند. گستردگی این وضعیت را می‌توان در مقایسه با سیاست کیفری ایران در وضع ماده (۵۰۸) ق.م.ا (بخش تعزیرات) به خوبی مشاهده کرد. به‌کارگیری دو قید «دولت» و «متخاصم» در تدوین ماده (۵۰۸) در این زمینه بسیار مهم ارزیابی می‌شود. از یک طرف به‌کارگیری اصطلاح

«دولت» سبب می‌شود تا همکاری با سازمان‌های خارجی مشمول ماده قانونی مذکور واقع شود. به جهت پرهیز از چنین محدودیتی بوده که قانونگذار فرانسوی از عبارت «قدرت یا سازمان خارجی یا عوامل آنها» در مواد قانونی متعدد ناظر بر جاسوسی استفاده کرده است. از طرف دیگر قانون جزای فرانسه، دامنه شمول تحقق این جرم را تنها به دولت‌هایی که دارای روابط خصمانه با این کشور هستند، محدود نکرده است. این محدودیت به دلیل به‌کارگیری قید «متخاصم» در ماده (۵۰۸) ق.م.ا. در حقوق کیفری ایران وجود دارد. در این راستا به نظر می‌رسد حذف اصطلاحات غیر ضرور «دولت» و «متخاصم» در ماده (۵۰۸) ق.م.ا. و نیز «تخلیه اطلاعاتی» و «دشمن» در ماده (۵۰۶) ق.م.ا. بسیار منطقی باشد.

۲-۷. عدم جرم‌انگاری مستقل معاونت در جاسوسی

از دیرباز، معاونت در جرم برمبنای رویکرد «عاریه‌ای» یا «استقلالی» مورد پذیرش نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. اکثریت کشورها جرم‌انگاری عمل معاون را برمبنای رویکرد عاریه‌ای مورد پذیرش قرار داده‌اند که دو نتیجه را از نظر حقوقی برای حقوق کیفری آن کشورها به همراه داشته است. اول آنکه تا زمانی که عمل مباشر شروع نشده عمل معاون قابل مجازات نیست و دوم آنکه عمل معاون زمانی قابل مجازات است که عمل مباشر دارای وصف مجرمانه باشد. در واقع برمبنای دیدگاه عاریه‌ای، عمل معاون وصف مجرمانه را به صورت کامل از مباشر جرم عاریه گرفته و به تنهایی قابل مجازات نیست. به عبارت دیگر برمبنای این رویکرد عمل معاونی که مباشر جرم اقدام به شروع آن جرم نکرده و یا اساساً فاقد وصف مجرمانه بوده اصولاً قابل مجازات نخواهد بود. از آنجاکه وجود چنین نتیجه‌ای برای کشورها نسبت به برخی از جرائم مهم قابل تحمل نبوده است، قانونگذاران را بر آن داشته تا در مواردی جرم‌انگاری معاونت در جرم را به شکل مستقل و صرف نظر از عمل مباشر قابل مجازات بدانند (Bouloc, 2017: 315). در واقع در این روش بدون آنکه قانونگذار رویکرد کلی خود را نسبت به پذیرش رویکرد عاریه‌ای تغییر دهد، در جرائم مهم تمایل به پذیرش نظریه استقلالی را از خود نشان می‌دهد. چنین رویکردی که در جرم‌انگاری جرائم علیه اشخاص و اموال کشورهای مختلف به صورت استثنایی مورد توجه قرار گرفته است، امروزه در جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت

برخی کشورهای اروپایی به شکل یک رویه معمول و غالب درآمده است. برای مثال در حقوق کیفری فرانسه قانونگذار در ماده (۱۱-۴۱۱) تحریک به جرائم جاسوسی را به صورت مستقل قابل مجازات دانسته است. ماده فوق چنین مقرر می‌دارد: «تحریک مستقیم به ارتکاب یکی از جرائم پیش‌بینی شده، در این بخش از طریق دادن وعده، هدیه، اعمال فشار، تهدید یا خشونت در صورتی که تحریک، به علت شرایط مستقل از اراده مرتکب، نتیجه‌ای نداشته باشد تا هفت سال حبس جنحه‌ای و تا یکصد هزار یورو جزای نقدی خواهد مجازات خواهد شد».

قانونگذار در این جرم برای تحریک به جرائم جاسوسی و خیانت به کشور صرف نظر از نتیجه مجرمانه، مجازات مستقل تعیین کرده است.^۱

اگرچه چنین رویکرد جامع و کلی در سیاست کیفری ایران مشاهده نمی‌شود، اما به صورت پراکنده در مواد قانونی مختلفی همچون مواد (۶۲۲) راهنمایی به سقط جنین و (۵۱۲) تحریک به جنگ و قتال؛ چنین رویکردی قابل مشاهده است. پیشنهاد نگارنده تسری چنین راهکاری به جرائم علیه امنیت همانند جاسوسی است.

۸-۲. عدم سیاست کیفری سنجیده در متون قانونی ناظر بر جاسوسی

با آنکه جمع‌آوری اطلاعات و اسناد (موضوع ماده (۵۰۵)) و نیز انتقال موضوعات جاسوسی به افراد فاقد صلاحیت (موضوع ماده (۵۰۱)) در همه کشورها به‌عنوان مصادیقی از جاسوسی مورد پذیرش قرار گرفته است، اما شرایط و کیفیت متون قانونی حاکم بر این دو جرم در همه کشورها یکسان نیست.

در تدوین ماده (۵۰۵) ق.م.ا چنانچه اشاره شد، تقید جرم‌انگاری این ماده به سوءنیت خاص (قصد برهم زدن امنیت عمومی)، انگیزه مجرمانه (تسلیم اطلاعات به دیگری) در رکن روانی و نیز تحدید موضوع جاسوسی (اطلاعات طبقه‌بندی شده) در رکن

1. N.C.P. art 411-11: "Le fait, par promesses, offres, pressions, menaces ou voies de fait, de provoquer directement à commettre l'un des crimes prévus au présent chapitre lorsque la provocation n'est pas suivie d'effet en raison de circonstances indépendantes de la volonté de son auteur, est puni de sept ans d, emprisonnement et de 100 000 euros d, amende".

مادی آسیب‌شناسی شد. نارسایی دیگری که در مواد قانونی ناظر بر جاسوسی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، از لحاظ میزان و کیفیت پاسخ‌های کیفری ناظر بر این جرم است. به نظر می‌رسد عملکرد قانونگذار برای تعیین اعمال مجازات در مواد مربوط به جاسوسی از چند جهت قابل تأمل است. اول آنکه میزان کیفر تعیین شده در مواد قانونی (۵۰۵) (دو تا ۱۰ سال و یا یک تا پنج سال)، (۵۰۱) (یک تا ۱۰ سال) و (۵۰۳) (۶ ماه تا سه سال) برای بزه مهمی چون جاسوسی، بسیار نامتناسب با اهمیت و شدت خطرآفرینی آن برای امنیت کشور و افراد جامعه است. در واقع قانونگذار کیفرهای ناظر بر بزه جاسوسی را بسیار کمتر از برخی سرقت‌های تعزیری و تقریباً معادل بزه کلاهبرداری دانسته است. دوم آنکه حداقل مجازات تعیین شده برای جاسوسی بسیار کم بوده و با شیوه قانونگذاری که در ماده (۵۰۵) ق.م.ا. به کار رفته است، این امکان وجود خواهد داشت که کسی که مرتکب دو عمل جمع‌آوری اطلاعات (موضوع ماده (۵۰۵)) و انتقال اطلاعات (موضوع ماده (۵۰۱)) شده باشد، مشمول قسمت اخیر ماده (۵۰۵) قرار گیرد و به مجازات برای مثال پنج سال (از بین دو تا ۱۰ سال) و فردی که تنها انتقال اطلاعات داده باشد، براساس ماده (۵۰۱) ق.م.ا. (یک تا ۱۰ سال) برای مثال به هفت سال حبس محکوم شود، که با عدالت ناسازگاری خواهد داشت. بدیهی است شایسته است مقنن با حذف قسمت اخیر از ماده (۵۰۵) ق.م.ا.، صرفاً ماده مزبور را به جمع‌آوری اطلاعات اختصاص دهد و کسی که اطلاعات را منتقل می‌کند صرفاً در شمول ماده (۵۰۱) ق.م.ا. قرار دهد. البته اگر هر دو جرم از سوی یک نفر انجام شود با توجه به رویکرد جدید ماده (۱۳۴) ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، (اعمال مجازات اشد)، از ناعدالتی در تعیین مجازات جلوگیری به عمل خواهد آمد.

انتقاد دیگری که نسبت به ماده (۵۰۱) قانون مجازات اسلامی می‌توان مطرح کرد آن است که قانونگذار در حقوق کیفری ایران به اعمال سیاست کیفری یکسان در زمینه انتقال دهندگان اطلاعات و اسناد روی آورده است. در واقع برای مقنن تفاوتی ندارد که چه کسی اطلاعات را به افراد فاقد صلاحیت انتقال داده است. از این روست که اشاره نکردن قانونگذار به نحوه دستیابی به اسرار و نقشه‌ها و تصمیمات و نیز به کارگیری عبارت «قرار دهد» در ماده (۵۰۱) ق.م.ا. سبب تمایل برخی از حقوقدانان به دیدگاهی شده که اعتقاد دارد باید

در ابتدا موضوعات این جرم در اختیار مرتکب برحسب وظیفه قرار داده شود تا در مرحله بعدی آن را به دیگری واگذارد (پیمانی، ۱۳۹۲: ۲۳). تفسیری که دامنه وقوع این جرم را محدود به کارمندان و مأمورین دولتی خواهد کرد. این دیدگاه اگرچه اشاره درستی به ضعف تقنینی مقررات یاد شده در زمینه اتخاذ سیاست کیفری یکسان در زمینه انتقال دهندگان اسرار و اسناد محرمانه دارد، اما به دلیل عدم مطابقت این تفسیر با الفاظ کلی و عام به کار رفته در این ماده قانونی، به درستی مورد انتقاد نیز قرار گرفته است (ساریخانی، ۱۳۷۸: ۲۴۰). اعمال سیاست کیفری یکسان در زمینه انتقال اسرار و اطلاعات در حقوق کیفری ایران محدود به انتقال دهندگان نیست. قانونگذار با توجه به موقعیت و شرایط متفاوت گیرندگان اسرار و اطلاعات، سیاست‌های کیفری متفاوتی اعمال نکرده است. به همین دلیل است که عنصر مادی موضوع ماده (۵۰۱) ق.م.ا. به صرف تسلیم و یا مطلع کردن هر فرد فاقد صلاحیت محقق می‌شود. اعمال این روش عکس سیاست کیفری است که قانونگذار در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح دنبال کرده است. در بند «ج» ماده (۲۴۰) قانون مجازات نیروهای مسلح، قانونگذار برای مقابله با نظامیانی که اسناد و اطلاعات محرمانه را در اختیار دشمن و یا بیگانگان قرار می‌دهند، مجازات محاربه تعیین کرده، اما در ارتباط با نظامیانی که این عمل را برای سایر افراد فاقد صلاحیت انجام می‌دهند، براساس ماده (۲۴) همان قانون و نیز بر مبنای نوع اطلاعات (به کلی سرتی - خیلی محرمانه - محرمانه) تسلیم شده، مجازات‌های سالب آزادی پیش‌بینی کرده است.

در حقوق کیفری فرانسه در زمینه تدوین مقررات حمایت از اسرار و اطلاعات باید به تفکیکی که قانونگذار در قانون جزای ۱۹۹۴ به آن متمایل شده نیز توجه ویژه مبذول داشت. حالتی که انتقال یا تسلیم اطلاعات به قدرت‌ها و سازمان‌های خارجی و یا مأموران آنها انجام می‌شود را قانونگذار به عنوان بزه جاسوسی (ماده (۶-۴۱۱)) پذیرش قرار داده و در مقابل در صورتی که این انتقال و یا افشای اطلاعات برای افراد فاقد صلاحیت دیگر انجام شود، با عنوان مجرمانه «لطمه علیه اسرار دفاع کشور» (بند «۳» ماده ۱۱(-۴۱۳)) دارای مجازات می‌داند. پیشنهاد مشخص در این زمینه می‌تواند پذیرش اعمال تفکیک در مجازات جاسوسی بر مبنای ملاک جایگاه «انتقال‌گیرنده» و «انتقال‌دهنده» در موضوع ماده (۵۰۱) ق.م.ا. است.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اگرچه در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورها، سیاست کیفری عقب‌نشینی حقوق کیفری در زمینه جرائم علیه اشخاص و اموال مورد توجه و اقبال قانونگذاران کیفری بوده است، ولی در همان کشورها و به همان میزان در جرائم علیه امنیت، سیاست کیفری امنیت‌مدار و جرم‌انگاری توسعه‌گرا مشاهده می‌شود. براساس این سیاست کیفری توسعه‌گرا، از یک سو شمول جاسوسی از قلمرو سیاسی و امنیتی به زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی گسترش یافته و از سوی دیگر با تکیه بر جرم‌انگاری‌های جدید، توسعه موضوع جرم، جرم‌انگاری‌های با اکتفا رکن روانی عام و عدم به‌کارگیری قیود غیرضرور و محدودکننده، به مبارزه علیه جرائم مهمی مانند جاسوسی پرداخته‌اند. در واقع بسته به آنکه قانونگذار، قصد حمایت کیفری از کدام جنبه‌های مختلف امنیت را در قالب متون قانونی داشته باشد، شیوه جرم‌انگاری و دامنه شمول آن متفاوت خواهد بود. در حقوق کیفری ایران، قانونگذار صرفاً جنبه‌های محدود امنیتی را مورد نظر داشته و تنها با توجه به معیار «خطرآفرینی علیه دولت»، جرم‌انگاری بزه جاسوسی را انجام داده است. پیشنهاد اول به قانونگذار آن است که با پذیرش توسعه موضوع جاسوسی از اطلاعات طبقه‌بندی شده سیاسی - امنیتی به مطلق اطلاعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی - که می‌تواند برای منافع مردم و دولت خطرناک باشد - زمینه حمایت کامل‌تر از امنیت کشور را فراهم کند. در همین راستا ذکر اقسام جنبه‌های مختلف امنیت در مواد (۵۰۱ و ۵۰۵) قانون مجازات اسلامی و اضافه کردن «اشیا» نیز می‌تواند به جامعیت مقررات یاد شده کمک شایانی کند.

پیشنهاد دیگر نگارنده آن است که قانونگذار با توجه به مشکلات امنیتی کشور، به جرم‌انگاری‌های جدیدی در زمینه بزه جاسوسی اقدام کند و در کنار آن با تکیه بر روش احصای قانونی، صراحتاً مصادیق بزه جاسوسی را در متون قانونی اعلام کند تا از بروز اختلاف نظر و دیدگاه‌های حقوقی در این باره بکاهد. پذیرش صریح نظریه «ملیت» در مقام تفکیک بزه جاسوسی از خیانت به کشور از سوی مقنن نیز می‌تواند به تقلیل ابهامات موجود کمک شایانی کند.

علاوه بر موارد فوق تحقق سیاست کیفری سرکوبگرانه از سوی مقنن در قبال مرتکبین

جاسوسی، تغییرات مهمی را در شیوه مبارزه در قبال این دسته از مجرمین را مورد نیاز دارد. به‌کارگیری از روش جرم‌انگاری مستقل معاونت در جاسوسی، در زمره یکی از این روش‌های کارآمد در مقابل مجرمان امنیتی است که غالباً این جرائم را به صورت بانندی و سازمان‌یافته مرتکب می‌شوند.

همچنین پرهیز قانونگذار از ذکر سوءنیت خاص و انگیزه مجرمانه نیز می‌تواند به بازدارندگی مقررات ناظر بر جاسوسی کمک کند. بر این اساس حذف عبارت «به قصد برهم زدن امنیت عمومی» و «در صورتی که بخواهد آن را به دیگری بدهد» از ماده (۵۰۵) قانون مجازات اسلامی بسیار ضروری است.

در واقع امر قانونگذاری در همه زمینه‌های حقوقی و به ویژه امور کیفری نیازمند آن است که با دقت و ظرافت فراوانی انجام شود و وجود یا عدم وجود هر لفظی از سوی مقنن کیفری می‌تواند در سرنوشت تابعان حقوق کیفری و جامعه تأثیرگذار باشد. نگارنده بر این اعتقاد است که به‌کارگیری قانونگذار از الفاظ غیرضرور و قیود متعدد در توصیف جزایی بسیاری از جرائم علیه امنیت، از نارسایی‌هایی است که در زمینه مقررات ناظر بر جاسوسی نیز مشاهده می‌شود. بنابراین می‌توان به حذف برخی از قیود مذکور در ماده (۵۰۶) قانون مجازات اسلامی (تخلیه اطلاعاتی و دشمن) و ماده (۵۰۸) قانون مجازات اسلامی (متخاصم) برای تحقق سیاست کیفری سنجیده اقدام کرد.

منابع و مأخذ

۱. آقابابایی، حسین (۱۳۹۶). «ارزش امنیت در قرآن»، فصلنامه امنیت پژوهی، ش ۵۸.
۲. استفانی، گاستون، ژرژ لوسور و برنارد بولک (۱۳۸۳). حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، جلد ۱ و ۲، چاپ ۲، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۳. الاعظمی، سعدابراهیم (۱۹۸۱). جرائم التجسس فی التشريع العراقی، عراق، جامعه بغداد.
۴. العینی، ابومحمد محمود بن احمد (بی‌تا). عمده القاری فی شرح درست البخاری، بیروت، دارالاحیای التراث العربی.
۵. بهنام، رمسیس (بی‌تا). الجرائم المضرة بالمصلحة العمومیة، مصر، منشاه المعارف بالاسکندریه.
۶. پیمانی، ضیال‌الدین (۱۳۹۲). جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ ۹، تهران، نشر میزان.
۷. توجهی، عبدالعلی و مرجان برنجی اردستانی (۱۳۹۱). «بررسی جایگاه امنیت‌گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره اول، ش ۲.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). ترمینولوژی حقوق، چاپ ۱۸، تهران، نشر گنج دانش.
۹. جوانمرد، بهروز (۱۳۸۶). «نظریه‌های کیفری و رویکرد امنیتی ج.ا.ا در جرائم سبک (با تأکید بر نظریه‌های تسامح صفر و پنجره‌های شکسته)»، فصلنامه امنیت، دوره پنجم، ش ۳.
۱۰. رحمدل، منصور (۱۳۹۴). «جاسوسی و خیانت به کشور»، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۲۸.
۱۱. ریاض‌الخانی، محمد (۱۹۹۴). شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، دمشق، مطبوعه الاسکان.
۱۲. زراعت، عباس (۱۳۸۷). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ ۳، تهران، انتشارات ققنوس.
۱۳. ساریخانی، عادل (۱۳۷۸). جاسوسی و خیانت به کشور، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۳). حقوق کیفری اختصاصی، جلد ۳، چاپ ۲، تهران، انتشارات مجد.
۱۵. شاملو، باقر، اصغراحمدی و قدرت‌الله خسروشاهی (۱۳۹۶). «بزه دیده‌شناسی سبز: با تأکید بر سیاست کیفری ایران»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ششم، ش ۲۰.
۱۶. شیخلی، عبدالقادر (۱۹۹۵). فن الصیغه القانونیه، عمان، دارالثقافه.
۱۷. صدیق، ابراهیم (۱۳۹۵). «انقلاب سایبری و تحول در پدیده جاسوسی»، مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، ش ۷۱.
۱۸. عالی‌پور، حسن و نوروز کارگری (۱۳۸۹). جرائم ضد امنیت ملی، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.

۱۹. عالیه، سمیر (۱۹۹۲). *قانون العقوبات*، بیروت، مؤسسه الجامعیه للدراسات و النشر و التوزيع.
۲۰. ——— (۱۹۹۹). *قانون العقوبات*، بیروت، مؤسسه الجامعیه للدراسات و النشر و التوزيع.
۲۱. عمید، حسن (۱۳۹۰). *فرهنگ عمید*، چاپ ۳۸، تهران، نشر امیرکبیر.
۲۲. فتحی سرور، احمد (۱۹۶۳). *الجرائم مضرة بالمصلحة العامه*، القاہرہ، دارالنہضہ العربیہ.
۲۳. فرخ سیری، منصور (۱۳۷۶). «جاسوسی و جرائم مرتبط با آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران.
۲۴. قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی، حمید دانش تار و علی ساعتچی (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی حمایت مدنی و کیفری اسرار تجاری در نظام حقوقی ایران و آمریکا»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، سال ۱۹، ش ۴.
۲۵. قرطبی، محمد بن احمد الانصاری (۱۹۸۵). *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۲۶. کاتبی، حسینقلی (۱۳۸۰). *فرهنگ حقوقی فرانسه - فارسی*، چاپ ۲، تهران، انتشارات گنج دانش.
۲۷. کاردان، محمد (۱۳۷۸). «بررسی جاسوسی در حقوق جزایی ایران و سیرتطور آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، مجتمع آموزش عالی قم.
۲۸. کاشفی اسماعیل زاده، حسن (۱۳۸۴). «جنبش های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی (علل و جلوه ها)»، *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، سال پنجم، ش ۱۶ و ۱۵.
۲۹. گارو، استفانی (بی تا). *مطالعات نظری و علمی در حقوق جزا*، ترجمه سیدضیاء الدین نقابت، تهران، بی نا.
۳۰. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۷). *حقوق جزای اختصاصی*، چاپ ۲۴، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۱. لازرژ، کریستین (۱۳۸۲). *درآمدی به سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.
۳۲. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۸). *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ ۳۸، تهران، نشر میزان.
۳۳. مهدوی پور، اعظم و نجمه شهرانی کرانی (۱۳۹۳). «امنیتی شدن جرم شناسی؛ راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری»، *پژوهش نامه حقوق کیفری*، دوره پنجم، ش ۱.
۳۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۷). *جرم شناسی*، تقریرات دوره دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۳۵. ——— (۱۳۹۲). *از جرم شناسی انتقادی تا جرم شناسی امنیتی*، تقریرات دوره دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۳۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی (۱۳۹۷). *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران، نشر میزان.
۳۷. نجفی توانا، علی و محمد امینی (۱۳۹۰). «حمایت کیفری از اسرار تجاری در حقوق ایران و قوانین فدرال آمریکا»، *حقوق اسلامی*، سال ۸، ش ۲۹.
۳۸. نهاد ریاست جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۲). *قانون اساسی جمهوری فرانسه*، تهران، انتشارات معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین کشور.
۳۹. هوساگ، داگلاس (۱۳۹۰). *جرم‌نگاری افراطی*، ترجمه محمدتقی نوری، تهران، انتشارات مجد.
40. Bouloc, Bernard et Yves Mayaud (1996). *Code pénal commenté*, 1^{éd}, Paris, Dalloz.
41. Bouloc, Bernard (2017). *Droit pénal général*, 25^{éd}, Paris, Dalloz.
42. Cornu, Gérard (1992). (sous la dir.de) *Vocabulaire juridique*, 3^{éd}, Paris, PUF.
43. Desportes, Frédéric et Francis le Gunehec (2008). *Droit pénal général*, 9^{éd}, Paris, Economica.
44. David, Philippe et Jacques Roche (2002). *Théories de sécurité*, Montchrestien, 2^{éd}, Paris, Montchrestien.
45. Leclerc, Henri (1994). *Le nouveau code pénal*, Paris, 3^{éd}., Seuil.
46. Mayaud, Yves (2016). *Code pénal*, 113^{éd}, Paris, Dalloz.
47. Panchaud, André, et Denys Ochsenein et Vésale Van Ruymbeke (1989). *Code pénal*, 9^{éd}, Suisse, Payot Lausanne.
48. Pelletier, Hervé et Jean Perfetti (2003). *Code pénal*, 15^{éd}, Paris, Litec.
49. Pradel, Jean et Michel – Juan Danti (2001). *Manuel de droit pénal spécial*, 2^{éd}, Paris, Cujas.
50. Rassat, Michel (2016). *Droit pénal spécial*, 7^{éd}. Paris, Dalloz.